

بررسی تأثیر آزمون سراسری دانشگاه‌ها بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی

جلیل فتح‌آبادی^۱

بیبا شلانی^۲

سعید صادقی^۳

چکیده

امروزه، داشتن تحصیلات دانشگاهی در جامعه ایرانی به صورت یک ارزش و یکی از عوامل مهم تحرک اجتماعی درآمده است و به همین دلیل ورود به دانشگاه اتفاق مهمی محسوب می‌شود. ورود به مرحله تحصیلات عالی، به خصوص به دانشگاه‌های دولتی، همواره عرصه رقابت بوده و در سال‌های اخیر، گرایش دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و فرایند مدرک‌گرایی سبب تمرکز بر کنکور و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای گذر از آن شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آزمون سراسری دانشگاه‌ها (کنکور) بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی بود. روش پژوهش حاضر کیفی - کمی (آمیخته) بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان تمامی مدارس متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ و والدین آنان بود. در فاز کیفی مطالعه با ۶۰ دانش‌آموز و ۶۰ والد مصاحبه بازپاسخ انجام شد و در فاز کمی پژوهش با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۱۰۹۶ دانش‌آموز و ۱۰۹۶ والد به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه

۱. دانشیار روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی (Fathabadi51@gmail.com) (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

تأثیر کنکور بر دانش‌آموزان و پرسش‌نامه تأثیر کنکور بر خانواده بود. نتایج نشان داد که کنکور بر شیوه مطالعه و یادگیری، محتوای مطالعه، انگیزه و اهداف مطالعه و یادگیری، نگرش دانش‌آموز به کنکور، سلامت جسمانی و روانی و تفریحات و تعاملات آنان تأثیرگذار بود. انگیزه و اهداف مطالعه و یادگیری دختران بیشتر تحت تأثیر کنکور قرار داشت؛ اما در سایر مؤلفه‌ها تفاوتی بین دختران و پسران وجود نداشت. همچنین، نتایج نشان داد که از نظر والدین، آزمون سراسری بر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده، تعاملات و تفریحات خانواده، تعیین ملاک‌های موفقیت و سبک زندگی / ترجیحات زندگی فرزندان به طور معناداری تأثیر می‌گذاشت.

واژه‌های کلیدی: آزمون سراسری دانشگاه‌ها (کنکور)، دانش‌آموزان، خانواده‌های ایرانی.

«پژوهش حاضر با کمک مالی سازمان سنجش آموزش کشور و در قالب یک طرح مصوب پژوهشی انجام شده است».

The impact of universities entrance exam on Iranian students and families

Jalil Fathabadi, PhD¹

Bita Shalani²

Saeid Sadeghi³

Abstract

Today, college education has become as a value and an important factor for social mobility and that is why entrance to university is an important event in one's life. Entering the stage of higher education, especially public universities, has always been competitive and in recent years, the tendency of students and their parents and the process of credentialism resulted in a focus on Universities Entrance Exam (UEE) and preparing students for passing it. This study examines the impact of UEE

1. Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (fathabadi51@gmail.com) (Corresponding Author)
2. PhD Student in Psychology, Faculty of Human Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
3. PhD Student in Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

on the Iranian students and families. The research method was qualitative-quantitative (mixed). The study population consisted all the students of the secondary schools in Tehran in the academic year 2014-15 as well as their parents. In the qualitative phase of the study, 60 students and 60 parents were interviewed with open-ended questions and in the quantitative phase, 1096 students and 1096 parents were selected as sample groups by using cluster sampling method. The study tools were 'the impact of exam on student's questionnaire' and 'the beliefs of parents about the effects of entrance exam questionnaire'. Results showed that UEE had impact on the methods of study and learning, study content, motives and aims of study and learning, attitude of students to UEE, their physical and mental health, and their entertainments and interactions. The motives and aims of study and learning in girls are more affected by UEE, but in other components, there is no significant difference between girls and boys. The results also showed that from the perspective of parents, UEE is significantly effective on family scoping and planning, family interactions and entertainments, determining the criteria for success, and the lifestyle/ life preferences of students.

Keywords: universities entrance exam, student, Iranian families

مقدمه

بی‌شک، کسب علم از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین فعالیت‌های انسان است که نقش بسیار اساسی در زندگی فرد و همچنین ایجاد فرهنگ و تمدن و پیشرفت وی دارد. توانایی کسب معلومات از پیشرفته‌ترین و ضروری‌ترین توانمندی‌ها و فعالیت‌های پیچیده و عالی ذهن انسان است که اساس پیشرفت‌های علمی وی را فراهم کرده و سبب شده است تا بشر به تمدن پیشرفته‌ای دست یابد (وان ترجلینگر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ بنت^۲ و همکاران، ۲۰۱۲). گاهی آزمون‌ها در مقیاس وسیع اجرا می‌شوند و بر اساس نتایج آن‌ها تصمیماتی بزرگ در مورد فرد اتخاذ می‌شود که دارای تبعات مهم شخصی، سیاسی، و اجتماعی هستند و اثرات بسیار مهمی بر زندگی حال و آینده افراد دارند. این‌گونه آزمون‌ها را آزمون‌های خطیر یا سرنوشت‌ساز^۳ می‌گویند (گرامی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). این آزمون‌ها در ابعاد مختلف روانی و اجتماعی تأثیرات چشم‌گیری بر جامعه دارند (گلدابر^۴، ۲۰۱۸؛ پن^۵، ۲۰۱۶). در کشور ایران آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌ها یا آزمون سراسری، نمونه‌ کاملی از آزمون سرنوشت‌ساز است (سازگار و مطلب‌زاد^۶، ۲۰۱۷).

1. Van Teijlingen
2. Bennett
3. High-stakes tests
4. Goldhaber
5. Pan
6. Sazegar & Motallebzadeh

که تأثیرات زیان‌آور زیادی بر تمام جنبه‌های زندگی داوطلبان و حتی خانواده‌های آن‌ها برجای می‌گذارد. در ایران تاریخ برگزاری نخستین کنکور را سال ۱۳۱۷ ذکر کرده‌اند. آزمون سراسری برای نخستین بار در سال ۱۳۴۸ به صورت سؤالات با پاسخ کوتاه با تعداد ۴۱۱۱۲ داوطلب برای ۷۲ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی برگزار شد؛ ولی از سال ۱۳۴۸ طرح سؤالات به صورت تستی آغاز شد و تاکنون ادامه دارد (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴). این روش گزینش دانشجوی، در یک برآورد کلی عقلانی ممکن است بی‌خطر و اجتناب‌ناپذیر به نظر آید؛ اما مطالعات بسیاری آن را تأیید نمی‌کنند. در سال‌های اخیر، تحقیقات و مطالعات متعددی صورت گرفته است که بر کارکردهای کنکور تأکید کرده و درباره عواقب آشکار و نهان آن هشدار داده‌اند (پن، ۲۰۱۶). کارشناسان معتقدند که شیوه «یک تست، یک برآورد، یک سرنوشت» حجم عمده‌ای از ظرفیت‌های روانی، اقتصادی و آموزشی را به شکل ناکارآمد اشغال کرده است (مردیها، ۱۳۸۳). امروزه، داشتن تحصیلات دانشگاهی به صورت یک ارزش و یکی از عوامل مهم تحرک اجتماعی درآمده است و به همین دلیل ورود به دانشگاه اتفاق مهمی محسوب می‌شود؛ زیرا بر شغل، درآمد، روابط اجتماعی و احتمالاً انتخاب همسر در آینده تأثیر دارد (روان‌بخش و همکاران، ۱۳۹۲). مک کالم^۱ (۲۰۰۵) معتقد است فرایند پذیرش در دانشگاه‌ها در حال رقابتی شدن شدید است و این چشم و هم‌چشمی شدید سبب شده است تا دانشگاه‌ها در ایجاد انگیزه و علاقه به فرایند یادگیری در دانشجویان ناتوان باشند. به‌طور کلی، تأثیرات روانی کنکور را می‌توان به دو دوره با دو نوع از بروز آسیب‌ها بخش‌بندی کرد: آسیب‌شناسی پیش‌آزمون و آسیب‌شناسی پس از آزمون. آسیب‌شناسی پیش‌آزمون شامل واکنش‌های اضطرابی، تنش و هراس‌آمیز است. از این رو، این دسته از عوامل مشکلاتی همچون فشارهای روانی، مشکلات بلوغ، ناهنجاری‌های خانوادگی، آسیب‌های شخصیتی، بیماری و پیامدهای جسمی و همچنین بحران‌های اجتماعی را پدید می‌آورد. آسیب‌های پس از آزمون نیز شامل واکنش‌های افسردگی، بی‌اعتمادی به خود، احساس شکست، ناامیدی، پریشانی، مسائل و بیماری‌های بدنی، اندوه و خودکشی است (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴). سبحانی و شهیدی (۱۳۸۶) در تحقیق خود به بررسی و آسیب‌شناسی کنکور در ابعاد مختلف خانوادگی، روانی، علمی و شغلی پرداخته و نظام تصمیم‌گیری در پذیرش

دانشجو را بررسی کرده‌اند. ۴۳ درصد از شرکت کنندگان در کنکور نگرانی بسیار زیاد و ۳۰ درصد نیز در صورت قبول نشدن فشار روحی و ناراحتی زیادی را تجربه می‌کنند (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۱، به نقل از مردیها، ۱۳۸۳). علاوه بر این، خانواده‌های شرکت کنندگان نیز این نگرانی و فشار روحی را متحمل می‌شوند. تلاش برای قبول شدن در کنکور در دوره متوسطه سبب می‌شود دانش‌آموزان بیشتر وقت خود را صرف زدن تست و آمادگی برای کنکور کنند؛ در حالی که شانس قبولی در آن ۱۰ تا ۲۰ درصد است. به همین دلیل فرصت کسب آمادگی برای انتخاب شغلی موکد و فعال بودن در کلاس‌های درس از بین می‌رود. تست‌ها و آزمون‌های آمادگی لزوماً پس از قبولی نیز کاربردی ندارند. میزان اوقات فراغت و تفریحات دانش‌آموزان در شبانه‌روز به عواملی مانند میزان کار روزانه، ساعت‌های درسی، تکالیف مدرسه و ... بستگی دارد. اوقات فراغت دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی به دلیل شرکت در کنکور و استرس و اضطراب ناشی از آن، اهمیت خاص و در خور توجهی دارد (مردیها، ۱۳۸۳). تلگینی و همکاران (۱۳۸۱) در تحقیقی نشان دادند که ۶۳ درصد داوطلبان کنکور کمتر از ۸ ساعت در روز استراحت می‌کنند، ۶۰ درصد حدود ۴ ساعت در روز و ۲۰ درصد بیش از ۶ ساعت در روز برای کنکور درس می‌خوانند. سنجش انگیزه برای یادگیری ایجاد می‌کند (برادفوت^۱، ۱۹۹۶؛ بلک و ویلیام^۲، ۱۹۹۸)؛ با این حال، نظام سنجش می‌تواند بر فرایند آموزش و یادگیری و محتوای مطالعه هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی تأثیر بگذارد (اصل فتاحی و همکاران، ۱۳۸۸؛ چنگ^۳، ۱۹۹۷؛ وال^۴، ۱۹۹۶، به نقل از فتح‌آبادی، ۱۳۸۵؛ شکرانی، ۱۳۹۳). با این حال تمامی پژوهش‌ها از این دیدگاه حمایت نمی‌کنند. اسکولر و پروسر^۵ (۱۹۹۴) دریافتند که رابطه‌ای بین به کارگیری آزمون چندگزینه‌ای و استفاده از رویکرد سطحی مطالعه وجود ندارد. همچنین، بهرامی‌نسب و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش آزمون‌های مؤسسات آزاد علمی بر پیشرفت درسی دانش‌آموزان دوره متوسطه پرداختند و نشان دادند بین مهارت‌های مطالعه افراد شرکت‌کننده و غیر شرکت‌کننده تفاوت وجود ندارد.

1. Broadfoot
2. Black & Wiliam
3. Cheng
4. Vale
5. Scoullar & Prosser

هر ساله تعداد بسیار زیادی از داوطلبان برای ورود به دانشگاه در آزمون‌های ورودی شرکت می‌کنند و با توجه به این که تنها راه ورود به دانشگاه‌های برتر در ایران، شرکت در آزمون‌های سراسری است، دغدغه مهم داوطلبان و خانواده‌های ایرانی طی دوران متوسطه وقف آمادگی برای حضور در آزمون سراسری و موفقیت در این آزمون است. این اندازه اهمیت سبب سرمایه‌گذاری چشمگیر خانواده‌ها و افراد برای ورود به دانشگاه می‌شود. افراد تمام هزینه‌ها و تلاش‌ها را متقبل می‌شوند تا در آزمون سراسری، رتبه‌ای کسب کنند و بتوانند به دانشگاه‌های برتر راه یابند (قلخانیاز و خدایی، ۱۳۹۳). ورود به مرحله تحصیلات عالی، به‌خصوص به دانشگاه‌های دولتی از دهه پنجاه تا کنون همواره عرصه رقابت بوده است؛ رقابتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دلیل نبود تناسب میان تعداد داوطلبان و گنجایش دانشگاه‌ها شدت گرفته است. سالانه بالغ بر یک میلیون دانش‌آموز در آزمون چندگزینه‌ای کنکور سراسری - که مجری آن سازمان سنجش است - با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (کیانی، ۱۳۹۴). آزمون سراسری آزمون‌های خطیر و در مقیاس ملی است که به‌عنوان ابزاری علمی، داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را انتخاب می‌کند (خدایی، ۱۳۸۹). باید در نظر داشت که سنجش در مقیاس وسیع می‌تواند برای افراد بسیاری که به نوعی در آن دخیل‌اند، پیامدهای منفی‌ای داشته باشد و زمانی که نتایج آزمون تعیین‌کننده فرصت‌های آتی و اساس ورود به مراحل بالاتر (فرصت‌های شغلی، جایگاه اجتماعی، و حتی ازدواج) باشد، عواقب آن بیشتر خواهد شد (کیانی، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه دانش می‌تواند مناسبات اجتماعی انسان‌ها را تغییر دهد و در مقایسه با ثروت و قدرت، ساده‌ترین راه برای این کار است، خانواده‌ها در پی این هستند که موقعیت اجتماعی فرزندان را به برتری برسانند و متفاوت از موقعیت خود تغییر دهند (سرکارآرانی، ۱۳۸۳، به نقل از سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶). در دهه‌های اخیر، نمرات به‌دست آمده از آزمون‌های خطیر اهمیت زیادی یافته‌اند؛ برای مثال بسیاری از خانواده‌ها تصمیم‌های مهم زندگی خود را بر اساس نمرات به‌دست آمده از این آزمون‌ها می‌گیرند و برنامه‌ریزی‌های خاصی را بر این اساس انجام می‌دهند (ملیساً و همکاران، ۲۰۰۲؛ کرامپتون و گریگوری^۲، ۲۰۱۱).

سال‌هاست که این روش سنجش مورد انتقاد قرار گرفته و بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و خانواده‌ها آثار منفی آن را یادآور شده‌اند (خلیقی و حج‌فروش، ۱۳۹۱). قبولی

1. Melissa
2. Crumpton & Gregory

در کنکور مسائل و مشکلات روانی و اجتماعی شدیدی برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها به وجود آورده است و اگر ورود به دانشگاه مقدور نباشد، بهداشت روانی فرد و خانواده به خطر می‌افتد و بر تمام جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴). از جمله آسیب‌های منفی کنکور می‌توان به آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی، و خانوادگی اشاره کرد. در واقع، کنکور در جامعه ما به پدیده‌ای اجتماعی تبدیل شده است که بر شرایط روانی، آموزشی و یادگیری، و اقتصادی خانواده‌ها تأثیر قرار می‌گذارد (سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه تمامی دانش و آموخته‌های فرد را نمی‌توان در یک روز و چند ساعت و تنها با سؤالات چهارگزینه‌ای سنجید، فرایند برگزاری کنکور به خودی خود اضطراب‌آور است (حج‌فروش، ۱۳۸۱). علاوه بر آثار منفی پیش از کنکور، پژوهشی آثار منفی پس از کنکور را در راه‌نیافتگان به دانشگاه نشان داد که شامل پایین بودن سطح سلامت عمومی و عزت نفس، شدت نشانه‌های اختلالات روانی و اضطراب بود (معمدی، ۱۳۸۲، به نقل از سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶). با وجود این، از نظر پورکاظمی (۱۳۸۱) نمی‌توان تمامی آسیب‌ها را تنها به کنکور نسبت داد. نگرش دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان به اینکه حتماً باید در رشته‌های خاصی قبول شوند و تنها راه خوشبختی را قبول شدن در کنکور می‌دانند و همچنین تصمیم‌گیری همه ارگان‌ها در مورد آموزش عالی نیز آسیب‌زاست.

کنکور تنها رویدادی آموزشی نیست؛ بلکه حادثه‌ای است که زندگی سال‌های قبل و بعد را در عرصه‌های گوناگون جهت می‌دهد. جوانان در این برهه، از روال معمول زندگی خود فاصله می‌گیرند و در مسیر کنکور قدم می‌گذارند. کنکور سبب ظهور نسلی به نام کنکوری‌ها در جامعه می‌شود که زندگی و احکام خاص خود را دارند (امرایبی، ۱۳۹۱). ۵۲ درصد از خانواده‌های شرکت‌کنندگان در کنکور به میزان زیاد یا بسیار زیاد در خصوص قبول شدن یا قبول نشدن فرزندان خود حساسیت دارند و ۴۴ درصد از آن‌ها در صورت قبول نشدن فرزندان خود دچار ناراحتی و فشار روحی می‌شوند (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۱، به نقل از مردیها، ۱۳۸۳). یارمحمدیان و همکاران (۱۳۸۴) نیز نشان دادند والدین دانشجویان عاطفه مثبت بیشتری در مقایسه با والدین دانش‌آموزانی که در کنکور پذیرفته نشده‌اند، دارند. تلگینی و همکاران (۱۳۸۱) در پژوهشی نشان دادند با توجه به نقش کنکور، دانش‌آموزان بیشتر برای قبول شدن در کنکور مطالعه می‌کنند تا برای کسب علم، و نمی‌توانند برای آینده خود برنامه‌ای داشته باشند. علاوه بر این، کنکور بر عاطفه مثبت و منفی داوطلبان و خانواده‌های آنان تأثیر منفی می‌گذارد و سبب فشارهای

روانی می‌شود (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴). فضای حاکم بر زندگی فردی و خانوادگی این داوطلبان در این مقطع خاص به گونه‌ای است که تأثیرات زیادی در مقاطع بعدی زندگی خانوادگی و فردی آنان دارد (نوربخش و حائری، ۱۳۹۰).

به‌طور کلی، آزمون‌های استاندارد ورودی دانشگاه‌ها، آزمون‌های سرنوشت‌سازی شناخته می‌شود که به‌منظور ایجاد فرصت‌های عادلانه و برابر برای همه داوطلبان از طریق یکپارچگی محتوا، شرایط برگزاری، و نظام نمره‌دهی طراحی شده است و دروازه ورود به آموزش عالی محسوب می‌شود. بنابراین، آثار و بازخورد آزمون‌های سرنوشت‌ساز بر عملکرد افراد حوزه آموزش به‌شدت بحث برانگیز است. تاکنون مطالعات بسیاری به بررسی آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی کنکور و اثر منفی آن بر اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان پرداخته‌اند، با این حال در زمینه تأثیر کنکور (و نه سایر آزمون‌ها) بر انگیزه‌ها، اهداف، و محتوای مطالعه، و نگرش دانش‌آموزان به کنکور، پژوهشی صورت نگرفته است. همچنین، در زمینه تأثیر کنکور بر شیوه‌های مطالعه و یادگیری نتایج متناقضی وجود دارد. علاوه بر این، با توجه به اینکه بسیاری از ابعاد مختلف زندگی، به‌ویژه زندگی اجتماعی و خانوادگی افراد شرکت‌کننده به نحوی تحت تأثیر آزمون سراسری قرار گرفته است، از این رو شناخت تأثیرات آزمون سراسری بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد، به سازمان‌های متولی آموزش و سنجش کشور کمک می‌کند تا آثار پنهان آزمون سراسری را بر زندگی فردی و خانوادگی از چشم‌اندازی گسترده‌تر بنگرند و با شناخت جنبه‌های مختلف آزمون سراسری و سازوکارهای تأثیر آن، به نحوی به اصلاح محتوا، شکل و نحوه اجرای آزمون سراسری پردازند. بنابراین، انجام پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آزمون سراسری بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی، ضروری است.

روش

روش پژوهش حاضر آمیخته (کیفی - کمی) است. این پژوهش در دو فاز عمده انجام شد. در فاز نخست این پژوهش که به شکل کیفی انجام شد با استفاده از مصاحبه بازپاسخ با ۶۰ دانش‌آموز و ۶۰ نفر از والدین دانش‌آموزان مصاحبه به‌عمل آمد (تعداد نهایی نمونه‌ها در این مرحله پیرو قاعده اشباع بود). سپس محتوای کیفی این مصاحبه‌ها تحلیل و بر اساس یافته‌های آن‌ها پرسش‌نامه‌هایی طراحی شد. در فاز دوم این پژوهش، نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. ابتدا از بین مناطق آموزش و پرورش ۴ منطقه (۱، ۲، ۱۰ و ۱۸) و در مرحله بعدی از هر منطقه تعدادی دبیرستان به

معرفی اداره آموزش و پرورش هر منطقه انتخاب شدند؛ به گونه‌ای که از زیر گروه‌هایی مانند مدارس دولتی - غیردولتی، و دخترانه - پسرانه به تعداد متناسب با حجم جامعه در داخل نمونه وجود داشت. در مرحله پایانی نمونه‌گیری، تمامی کلاس‌های پیش‌دانشگاهی و سوم متوسطه موجود در دبیرستان‌ها بررسی شدند. در هر دبیرستان علاوه بر دانش‌آموزان، والدین دانش‌آموزان نیز پرسش‌نامه‌های ساخته شده در فاز قبلی پژوهش را تکمیل کردند. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مدارس متوسطه شهر تهران و تمامی والدین دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بود که در فاز اول ۶۰ دانش‌آموز و ۶۰ والد و در فاز دوم مطالعه ۱۰۹۶ دانش‌آموز و ۱۰۹۶ والد دانش‌آموزان به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

ابزارها

بر اساس نتایج مصاحبه‌ها در مرحله کیفی پژوهش، و جهت جمع‌آوری داده‌ها در مورد نظرات گروه‌های مورد مطالعه یعنی دانش‌آموزان و والدین، پرسش‌نامه‌هایی تدوین شد که در ادامه به مرور آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. پرسش‌نامه تأثیر کنکور بر دانش‌آموزان: این پرسش‌نامه شامل ۳۴ گویه است که ۶ زیرمقیاس تأثیر کنکور بر شیوه‌های مطالعه و یادگیری (۵ گویه)، محتوای مطالعه (۵ گویه)، انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و یادگیری (۵ گویه)، نگرش دانش‌آموزان به کنکور (۵ گویه)، سلامت جسمانی و روانی (۱۰ گویه) و تأثیر کنکور بر تفریحات و تعاملات (۴ گویه) را در بر می‌گیرد (فتح‌آبادی، ۱۳۹۳). نمره‌گذاری این پرسش‌نامه بر اساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱، مخالفم = ۲، نظری ندارم = ۳، موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۵) است. نمره هر خرده‌مقیاس بر اساس جمع نمرات سؤالات تشکیل‌دهنده آن به دست می‌آید و نمره بالاتر نشان‌دهنده موافقت بیشتر آزمودنی در رابطه با تأثیر کنکور در آن خرده‌مقیاس است. ضرایب پایایی محاسبه شده به روش آلفای کرونباخ برای نمره کل این ابزار ۰/۸۵ و به ترتیب برای خرده‌مقیاس‌های تأثیر کنکور بر شیوه‌های مطالعه و یادگیری ۰/۶۸، محتوای مطالعه ۰/۵۸، انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و یادگیری ۰/۶۰، نگرش دانش‌آموزان به کنکور ۰/۵۷، سلامت جسمانی و روانی ۰/۷۶ و تفریحات و تعاملات ۰/۶۷ به دست آمده است که که حاکی از پایایی مناسب این پرسش‌نامه است.

۲. پرسش‌نامه تأثیر کنکور بر خانواده: این پرسش‌نامه نیز شامل ۲۰ گویه است که ۴ زیرمقیاس تأثیر کنکور بر تعاملات و تفریحات خانواده (۴ گویه)، تاثیر کنکور بر

هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده (۶ گویه)، تأثیر کنکور بر تعیین ملاک‌های موفقیت فرزندان از نگاه والدین (۵ گویه) و تأثیر کنکور بر سبک/ ترجیحات زندگی فرزندان از نگاه والدین (۵ گویه) را شامل می‌شود که به منظور نمره‌گذاری هر یک از این خرده‌مقیاس‌ها، برای هر یک از پنج گزینه نسبتاً مخالفم، نظری ندارم، نسبتاً موافقم و کاملاً موافقم، به ترتیب مقادیر ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته شده است و نمره هر خرده‌مقیاس بر اساس جمع نمرات سؤالات تشکیل‌دهنده آن به دست می‌آید. نمره بالاتر نشان‌دهنده موافقت بیشتر والدین نسبت به سؤالات و تأثیر بیشتر آزمون سراسری بر آن خرده‌مقیاس است. ضرایب پایایی محاسبه‌شده به روش آلفای کرونباخ برای نمره کل این ابزار ۰/۷۲ و به ترتیب برای خرده‌مقیاس‌های تعاملات و تفریحات خانواده ۰/۶۸، تأثیر کنکور بر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده ۰/۷۰، تأثیر کنکور بر تعیین ملاک‌های موفقیت فرزندان از نگاه والدین ۰/۷۳ و تأثیر کنکور بر سبک/ ترجیحات زندگی فرزندان از نگاه والدین ۰/۷۶ به دست آمده است که حاکی از پایایی مناسب این پرسش‌نامه است.

داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای، t مستقل، و تحلیل واریانس یک‌راهه با استفاده از نسخه ۲۴ نرم افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانش‌آموزان در جدول شماره ۱ بیان شده است. نمونه تحقیق شامل ۱۰۹۶ دانش‌آموز متشکل از ۵۲۵ پسر (۴۸٪) و ۵۷۱ دختر (۵۲ درصد) بود. ۷۱ درصد از دانش‌آموزان در مدارس دولتی، ۲۲ درصد در مدارس غیرانتفاعی و ۷ درصد در مدارس نمونه دولتی مشغول به تحصیل بودند که ۳۰ درصد در رشته تجربی، ۳۸ درصد در رشته ریاضی و ۳۲ درصد در رشته ادبیات و علوم انسانی بودند.

جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	جنس	رشته	نوع مدرسه
نوع	پسر	دختر	تجربی
فرآوانی	۵۲۵	۵۷۱	۳۳۱
درصد	۴۸	۵۲	۳۰
			۳۸
			۳۲
			۷۱
			۲۲
			۷

جدول ۲ تحصیلات و شغل والدین شرکت کنندگان

تحصیلات مادر	تحصیلات پدر										شغل مادر		شغل پدر					فراوانی درصد		
	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	دیپلم	زیردیپلم	ارشد و دکتری	کارشناسی	کارشناسی	دیپلم	زیردیپلم	سایر	خانه‌دار	دولتی	آزاد	مهندس	پزشک	کارمند رده پایین		کارمند رده بالا	آزاد
ارشد و دکتری	۲۵	۷۵	۲۱	۱۵۸	۸۱	۵۲	۷۷	۲۷	۱۲۸	۶۸	۱۹	۲۷۹	۵۵	۱۱	۱۱	۳۷	۸۱	۷۸	۱۳۹	
	۲	۷	۲	۱۴	۷	۴/۵	۶/۵	۳	۱۱	۶	۱/۶	۲۳	۴/۶	۱۰	۱۰	۳	۷	۶/۵	۱۲	

جدول ۳ آزمون t تک‌نمونه‌ای بررسی تأثیر کنکور بر دانش‌آموزان و والدین

گروه	مؤلفه‌های تأثیر کنکور	میانگین	میانگین مفروض	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	t	درجه آزادی	سطح معناداری
دانش‌آموزان	شیوه‌های مطالعه و یادگیری	۱۵/۷۴	۳	۴/۵۲	۱۲/۷۴	۵۵/۲۱	۱۰۹۵	۰/۰۱
	محتوای مطالعه	۱۵/۳۲	۳	۳/۸۷	۱۲/۳۲	۶۱/۸۷	۱۰۹۵	۰/۰۱
	انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و یادگیری	۱۶/۶۴	۳	۴/۳۰	۱۳/۶۴	۷۴/۹۴	۱۰۹۵	۰/۰۱
	نگرش دانش‌آموزان به کنکور	۱۷/۵۳	۳	۴/۰۷	۱۴/۵۳	۶۹/۹۱	۱۰۹۵	۰/۰۱
	سلامت جسمانی و روانی	۳۲/۲۰	۳	۷/۸۳	۲۹/۲۰	۱۰۱/۸۳	۱۰۹۵	۰/۰۱
	تفریحات و تعاملات	۱۳/۱۶	۳	۳/۷۱	۱۰/۱۶	۷۶/۴۶	۱۰۹۵	۰/۰۱
	تعاملات و تفریحات خانواده	۱۳/۷۶	۳	۳/۸۸	۱۰/۷۶	۵۴/۴۴	۱۰۹۵	۰/۰۱
والدین	هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده	۲۲/۲۷	۳	۳/۶۹	۱۹/۲۷	۶۶/۶۷	۱۰۹۵	۰/۰۱
	تعیین ملاک‌های موفقیت فرزندان	۱۷/۷۴	۳	۲/۷۴	۱۴/۷۴	۵۹/۷۳	۱۰۹۵	۰/۰۱
	سبک/ ترجیحات زندگی	۱۷/۲۹	۳	۳/۱۹	۱۴/۲۹	۵۷/۲۴	۱۰۹۵	۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بیشتر دانش‌آموزان دختر و از رشته ریاضی و فیزیک و مشغول به تحصیل در مدارس دولتی بودند. ۱۶ درصد از این خانواده‌ها دارای ۱ فرزند، ۵۱ درصد دارای ۲ فرزند، ۲۱ درصد دارای ۳ فرزند، ۸ درصد دارای ۴ فرزند، ۲/۵ درصد دارای ۵ فرزند و ۱/۵ درصد دارای ۶ فرزند و بیشتر بودند. شغل و تحصیلات والدین به تفکیک جنسیت در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

در ادامه برای تحلیل داده‌ها از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. این آزمون در شرایطی استفاده می‌شود که نمونه جامعه در دسترس نباشد. نتایج این آزمون در جدول ۳ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود دانش‌آموزان معتقدند که کنکور بر تمامی مؤلفه‌های بالا تأثیر گذار است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که کنکور به‌طور معنی‌داری بر تمامی مؤلفه‌های تعاملات و تفریحات خانواده، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده، تعیین ملاک‌های موفقیت فرزندان، و سبک/ ترجیحات زندگی تأثیر گذار است.

در ادامه برای بررسی این سؤال که آیا این تأثیرات بین دختران و پسران متفاوت است یا خیر از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. آزمون t مستقل برای مقایسه تأثیر کنکور بر دانش‌آموزان دختر و پسر

مؤلفه‌های تأثیر کنکور	جنس	M	SEM	MD	t	df	معناداری
شیوه‌های مطالعه و یادگیری	مرد	۱۵/۶۸	۴/۷۸	-۰/۱۴	-۳/۰	۳۸۳	۰/۷۶
	زن	۱۵/۸۲	۴/۱۶				
محتوای مطالعه	مرد	۱۵/۵۵	۳/۸۴	۰/۵۴	۱/۳۳	۳۷۳	۰/۱۸
	زن	۱۵/۰۱	۳/۹۰				
انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و یادگیری	مرد	۱۵/۶۹	۴/۵۰	-۱/۶۳	-۴/۵۶	۵۵۴	۰/۰۱
	زن	۱۷/۳۲	۳/۷۶				
نگرش دانش‌آموزان به کنکور	مرد	۱۷/۳۹	۴/۳۴	-۰/۳۳	-۰/۷۹	۳۸۲	۰/۴۲
	زن	۱۷/۷۲	۳/۷۰				
سلامت جسمانی و روانی	مرد	۳۱/۸۸	۸/۵۵	-۰/۶۱	-۱/۰۶	۷۴۲	۰/۲۸
	زن	۳۲/۴۹	۷/۰۸				
تفریحات و تعاملات	مرد	۱۲/۶۰	۳/۹۱	-۱/۷	-۰/۶۴	۷۶۷	۰/۵۲
	زن	۱۲/۷۶	۳/۳۳				

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و یادگیری دختران بیشتر تحت تأثیر کنکور قرار دارد؛ اما در سایر مؤلفه‌ها تفاوتی بین دختران و پسران وجود نداشت.

برای بررسی این سؤال که آیا این تأثیرات بین خانواده دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است یا خیر، از آزمون *t* مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵ آزمون *t* مستقل برای مقایسه تأثیر کنکور بر خانواده دانش‌آموزان دختر و پسر

مؤلفه‌های تأثیر کنکور	جنسیت	M	SEM	MD	t	df	معناداری
تعاملات و تفریحات خانواده	پسر	۱۴/۱۷	۵/۱۶	۰/۶۸	۱/۵۷	۳۶۰	۰/۰۳
	دختر	۱۳/۴۹	۳/۰۴				
هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده	پسر	۲۱/۶۷	۴/۳۱	-۰/۵۶	-۰/۸۲	۱۵۷	۰/۰۲
	دختر	۲۲/۳۲	۳/۴۶				
تعیین ملاک‌های موفقیت فرزندان	پسر	۱۷/۸۹	۲/۶۶	۰/۳۹	۰/۷۳	۱۱۷	۰/۶۸
	دختر	۱۷/۵۱	۲/۷۴				
سبک / ترجیحات زندگی	پسر	۱۶/۸۴	۴/۰۲	-۰/۵۶	-۰/۹۴	۱۵۷	۰/۰۱
	دختر	۱۷/۴۰	۲/۹۳				

با توجه به نتایج جدول ۵ می‌توان گفت تعاملات و تفریحات، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی و سبک/ ترجیحات زندگی خانواده‌های دارای دانش‌آموز پسر نسبت به خانواده‌های دارای دانش‌آموزان دختر به‌طور معنی‌داری بیشتر تحت تأثیر کنکور قرار می‌گیرد؛ اما کنکور از نظر تعیین ملاک موفقیت فرزندان از دیدگاه والدین به‌طور یکسانی تأثیرگذار است.

همچنین به منظور مقایسه تأثیر کنکور بر خانواده‌های دانش‌آموزان رشته‌های تجربی، انسانی و ریاضی از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج این آزمون در جدول ۶ آمده است.

همان‌طور که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد که کنکور بر خانواده‌های دانش‌آموزان رشته‌های تجربی، انسانی و ریاضی به‌طور نسبتاً یکسانی تأثیر می‌گذارد و تفاوت بین این خانواده‌ها از نظر آماری معنی‌دار نیست.

جدول ۶ نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه مقایسه بین خانواده دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی

متغیر	SS	MS	df	F	معناداری
تعاملات و تفریحات خانواده	۹/۷۱	۴/۸۵	۲	۰/۴۹	۰/۶۱
	۳۶۸۰	۹/۸۷	۳۷۳		
	۳۶۹۰		۳۷۵		
هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده	۵۴/۹۱	۲۷/۴۶	۲	۲/۰۶	۰/۱۲
	۲۰۸۳	۱۳/۳۵	۱۵۶		
	۲۱۳۸		۱۵۸		
تعیین ملاک‌های موفقیت فرزندان	۳/۵۸	۱/۷۹	۲	۰/۲۴	۰/۷۹
	۸۶۲	۷/۴۳	۱۱۶		
	۸۶۶		۱۱۸		
سبک / ترجیحات زندگی	۱/۵۸	۰/۷۹	۲	۱/۰۷۵	۰/۹۲
	۱۶۳۸	۱۰/۵۰	۱۵۶		
	۱۶۴۰		۱۵۸		

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آزمون ورودی دانشگاه‌ها (کنکور) بر دانش‌آموزان و والدین انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که کنکور بر تمامی مؤلفه‌های شیوه‌های مطالعه و یادگیری، محتوای مطالعه، انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و یادگیری، نگرش دانش‌آموزان به کنکور، سلامت جسمانی و روانی و تفریحات و تعاملات تأثیر گذار است و انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و یادگیری دختران بیشتر تحت تأثیر کنکور قرار دارد؛ اما در سایر مؤلفه‌ها، تفاوتی بین دختران و پسران وجود نداشت. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که از نظر والدین، آزمون سراسری بر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده، تعاملات و تفریحات خانواده، تعیین ملاک‌های موفقیت، و بر سبک زندگی / ترجیحات زندگی فرزندان به‌طور معناداری مؤثر است.

در تبیین یافته‌های پژوهش در زمینه تأثیر کنکور بر دانش‌آموزان می‌توان گفت با توجه به شیوه ورود دانش‌آموزان به دانشگاه در ایران که وابسته به یک آزمون است، اضطراب و استرسی که قبل و بعد از آزمون بر دانش‌آموزان وارد می‌شود، بر جنبه‌های گوناگون زندگی آن‌ها تأثیر منفی بسیاری می‌گذارد. همچنین، نظام سنجش می‌تواند بر فرایند آموزش و یادگیری، و محتوای مطالعه هم به‌صورت مثبت و هم به‌صورت منفی تأثیر

بگذارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد آزمون سراسری بر شیوه مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد؛ به گونه‌ای که باعث شده است دانش‌آموزان در هنگام درس خواندن بیشتر به دنبال حفظ کردن نکته‌ها باشند. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا با پژوهش واتکینس^۱ (۱۹۸۲) و بیگز^۲ (۱۹۸۳) مبنی بر استفاده بیشتر از حفظ کردن یا یادگیری طوطی‌وار در امتحانات چندگزینه‌ای است. همچنین، باد^۳ (۱۹۹۵) نیز در بیان روابط بین سنجش و یادگیری معتقد است، دانشجویان حق تقدم را به آن دسته از امتحانات می‌دهند که سنجش نهایی با آن صورت می‌گیرد. همسو با این نتایج، مطالعات دیگر نشان دادند اطلاع دانش‌آموزان از شیوه ارزشیابی به شکل آزمون چندگزینه‌ای سبب می‌شود هنگام مطالعه و یادگیری مطالب درسی، به نکته‌های جزئی و پراکنده توجه کنند و به مسائل کلی، ساختاری و استنباطی آن بی‌توجه باشند (اصل فتاحی و همکاران، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها نشان دادند روش‌های سنجش و نوع آزمون در رویکردهای مطالعه یادگیرندگان و راهبردهای آماده شدن در امتحان تأثیر بسیاری دارد (چنگ، ۱۹۹۷؛ وال، ۱۹۹۶، به نقل از فتح‌آبادی، ۱۳۸۵). زمانی که دانشجویان، خود را برای یک امتحان چندگزینه‌ای آماده می‌کنند، بیشتر از راهبردهای سطحی مطالعه استفاده می‌کنند؛ اما زمانی که یک تکلیف عادی کلاسی را انجام می‌دهند، بیشتر از راهبردهای عمقی مطالعه استفاده می‌کنند (توماس و بین^۴، ۱۹۸۴). دشواری بیش از حد سؤالات کنکور و حافظه‌محور بودن آن‌ها سبب شده است تا دغدغه دانش‌آموزان برای مطالعه درس‌ها، صرفاً کسب توانایی برای پاسخ‌گویی به سؤالات کنکور باشد و نه رسیدن به پاسخ پرسش‌های خود و یا شناخت همراه با تفکر و تعقل. شیوه طراحی سؤالات بر محتوای مطالعه نیز تأثیر گذاشته و در عمل به فاصله گرفتن دانش‌آموزان از متن و محتوای اصلی کتاب و روی آوردن به کتاب‌های کمک‌آموزشی منجر شده است که نه تنها در راستای اهداف درس تألیف نشده‌اند؛ بلکه در بسیاری از موارد با این اهداف متقابل هستند (شکرانی، ۱۳۹۳).

همچنین، پژوهش حاضر نشان داده است که دانش‌آموزان در کلاس‌های مدرسه، آزمون‌هایی را مفید می‌دانند که به سبک آزمون سراسری برگزار شوند. آزمون سراسری بر محتوای مطالعه دانش‌آموزان نیز تأثیر دارد؛ به‌طور مثال دانش‌آموزان بخش‌هایی از

1. Watkins
2. Biggs
3. Boud
4. Thomas & Bain

کتاب‌های درسی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند که در آزمون سراسری سنوات قبل، از آن بخش‌ها سؤال‌های زیادی طرح شده باشد. این یافته نیز در راستای نظر باد (۱۹۹۵) است که بیان می‌کند سنجش، دانشجویان را تشویق می‌کند تا بر درس‌هایی تمرکز کنند که مورد سنجش قرار می‌گیرند؛ ولی به درس‌های دیگر تمرکز نکنند. نتایج پژوهش حاکی از تأثیر آزمون سراسری بر انگیزه‌ها، اهداف مطالعه و یادگیری است؛ به طوری که هدف دانش‌آموزان از حضور در کلاس‌های مدرسه، موفقیت در آزمون سراسری است و با خواست خودشان، قبولی در آزمون سراسری را به‌عنوان هدف قرار داده‌اند و اجباری از جانب دیگران وجود ندارد (برادفوت، ۱۹۹۶؛ بلک و ویلیام، ۱۹۹۸).

همچنین، یافته‌ها بیانگر تأثیر آزمون سراسری بر نگرش دانش‌آموزان است؛ برای مثال می‌توان گفت دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند در مدرسه‌ای ثبت نام کنند که درصد قبولی آزمون سراسری آن بالا باشد؛ زیرا معتقدند آزمون سراسری مسیر مناسبی را برای پیشرفت آنان فراهم می‌کند و اگر در آن موفق شوند جایگاه اجتماعی مناسب‌تری کسب خواهند کرد و با وجود کنکور دانش‌آموزان از عدالت آموزشی بهره‌مند می‌شوند و به حق خود می‌رسند. هم‌راستا با پژوهش‌های موجود (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴؛ تلگینی و همکاران، ۱۳۸۱؛ حج‌فروش، ۱۳۸۱) مبنی بر آسیب‌ها و فشارهای روانی آزمون سراسری، این پژوهش نیز نشان‌دهنده تأثیر آزمون سراسری بر سلامت جسمانی، روانی، و ترجیحات زندگی است. بنابراین، استراحت کم دانش‌آموزان، تلاش و رقابت سنگین بین آن‌ها، فشردگی درس‌ها، ترس از شکست و نرسیدن به اهداف خود (دانشگاه و رشته مورد علاقه) و حتی گاهی احساس عذاب وجدان بعد از تفریحات و تعاملات به پدیدار شدن پیامدهایی مثل کاهش تمرکز، احساس اضطراب، خستگی، گوشه‌گیر بودن، بی‌توجهی نسبت به وقایع اطراف و رقابت شدید با دوستان، منجر شده است. شاید به دلیل همین پیامدها، یافته‌ها تأثیر معنادار آزمون سراسری بر تفریحات و تعاملات دانش‌آموزان را نیز نشان می‌دهد؛ زیرا با توجه به اینکه آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود و قبولی در کنکور حتی از زمان استراحت خود نیز می‌کاهند، طبیعتاً زمانی برای مطالعه غیردرسی نخواهند داشت و تعاملاتشان با خانواده و دوستان کاهش می‌یابد تا بتوانند زمان بیشتری برای مطالعه دروس خود داشته باشند. درحالی که به‌علت حساس بودن موضوع کنکور برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها و به‌تبع آن استرس و اضطراب ناشی از آن، توجه به اوقات فراغت و به‌ویژه فعالیت‌های بدنی ضروری به‌نظر می‌رسد.

در مقایسه نظرات دانش‌آموزان دختر و پسر، یافته‌ها نشان داد، تأثیر آزمون سراسری در خرده‌مقیاس انگیزه‌ها و اهداف مطالعه و نگرش دانش‌آموزان به آزمون سراسری در دختران بیش از پسران است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت آزمون سراسری تأثیر بیشتری تنها بر انگیزه‌ها، اهداف مطالعه و نگرش دانش‌آموزان دختر داشته است. این مسئله شاید به این دلیل است که در سال‌های اخیر پسران متوجه شده‌اند برای گذران زندگی به گزینه‌های دیگری غیر از دانشگاه رفتن فکر کنند که در این راستا نسبتِ ورودی‌های دختران و پسران به دانشگاه هم مؤید این نکته است.

در تبیین یافته‌های پژوهش در زمینه تأثیر کنکور بر والدین می‌توان گفت آزمون سراسری کنکور یکی از مصادیق آزمون‌های خطیر است که در دهه‌های اخیر، نمرات به‌دست آمده از آن اهمیت زیادی یافته است؛ برای مثال بسیاری از خانواده‌ها تصمیم‌های مهم زندگی خود را بر اساس نمرات به‌دست آمده از این آزمون‌ها می‌گیرند و برنامه‌ریزی‌های خاصی را بر این اساس انجام می‌دهند (ملیسا و همکاران، ۲۰۰۲؛ کرمپتون و گریگوری^۱، ۲۰۱۱). از آنجایی که در خانواده تغییر هر عضو یا تغییر شرایط او، بر دیگر اعضا نیز تأثیر می‌گذارد و در رابطه با کنکور به دلیل اینکه قبولی فرزند در خانواده‌ها نیز اهمیت بسیاری دارد، این تأثیر تشدید می‌شود؛ بنابراین، پیامدهای کنکور در سطح خانواده اهمیت آموزش نیز خود را نشان می‌دهد. نگرش بسیاری از والدین و دانش‌آموزان به آزمون سراسری این است که قبولی در کنکور به‌ویژه با یک رتبه خوب سبب برتری و شأن اجتماعی بیشتری برای افراد می‌شود. این شیوه تفکر - که تنها با ورود به دانشگاه می‌توان ارزش اجتماعی کسب کرد - سبب می‌شود خانواده‌ها تنها ملاک موفقیت را پذیرفته شدن در دانشگاه بدانند و این مسئله سبب می‌شود خانواده و دانش‌آموزان تمام وقت و انرژی خود را برای درس خواندن و قبولی در کنکور بگذارند و برنامه‌ریزی‌های زندگی خود را متناسب با این هدف انجام دهند. والدین و اعضای خانواده به دلیل کلاس‌های آموزشی و حجم زیاد مطالب درسی، زمان بسیاری را صرف فراهم کردن شرایط برای فرزند کنکوری خود می‌کنند و به دلیل فراهم کردن فضایی آرام از میزان تعاملات خود می‌کاهند. با توجه به اینکه والدین برای قبولی فرزند خود و تحصیلات عالی ارزش بسیار زیادی قائل هستند، کنکور حتی بر تعطیلات تابستان و تعاملات و تفریحات آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. شاید

1. Crumpton & Gregory

احساس شود تمام اعضای خانواده باید در خدمت کسی باشند که خود را برای شرکت در کنکور آماده می‌کند. بر آوردن نیازهای مادی و ترتیب دادن کلاس‌های مختلف از یک سو و در نظر گرفتن مسائل روحی و روانی از سوی دیگر سبب تأثیر کنکور بر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده می‌شود. علاوه بر این، هزینه‌هایی که والدین برای ثبت‌نام فرزندان خود در مدارس غیرانتفاعی - برای اطمینان بیشتر از قبولی در کنکور - و کلاس‌های تقویتی خارج از مدرسه، آزمون‌های آزمایشی و کتاب‌ها و جزوه‌های مختلف اختصاص می‌دهند، بر برنامه‌ریزی‌های مالی نیز اثرگذار است. از نظر والدین، کنکور بر سبک زندگی / ترجیحات زندگی فرزندان نیز تأثیر می‌گذارد. وقتی در خانواده‌ای گفته می‌شود فردی کنکوری است، به معنای تنگ بودن وقت وی و به تبع شانه خالی کردن از بسیاری از آداب خانوادگی، تفریحات، و روابط اجتماعی است. زندگی دانش‌آموزان با محوریت کنکور پیش می‌رود و زمان استراحت، رژیم غذایی، و تفریحات آن‌ها با درس خواندن هماهنگ می‌شود و دوری از روابط اجتماعی لازم و ضروری به نظر می‌رسد (امرای، ۱۳۹۱). در واقع، کنکور فرصت پرداختن به مهارت‌های اساسی زندگی مانند بهداشت، سلامت، تغذیه، ورزش، معاشرت، ارتباط و آیین شهروندی را از دانش‌آموزان سلب می‌کند (سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶).

با تفکیک و مقایسه نظرات والدین دانش‌آموزان دختر و پسر مشاهده شد که تعاملات و تفریحات، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی و سبک / ترجیحات زندگی خانواده‌های دارای دانش‌آموز پسر نسبت به خانواده‌های دارای دانش‌آموز دختر به‌طور معنی‌داری بیشتر تحت تأثیر کنکور قرار می‌گیرد؛ اما کنکور از نظر تعیین ملاک موفقیت فرزندان از دیدگاه والدین به‌طور یکسانی تأثیرگذار است. همچنین، یافته‌های حاصل از مقایسه نظرات والدین بر اساس رشته‌های تحصیلی فرزندان نیز نشان می‌دهد که کنکور بر خانواده‌های دانش‌آموزان رشته‌های تجربی، انسانی و ریاضی به‌طور نسبتاً یکسانی تأثیر می‌گذارد. این نتیجه می‌تواند حاکی از فشاری باشد که کنکور خواه ناخواه خانواده‌ها و دانش‌آموزان رشته‌های مختلف را تحت الشعاع قرار داده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد کنکور علاوه بر سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان، بر نحوه و محتوای مطالعه، انگیزه‌ها و نگرش آنان تأثیر منفی می‌گذارد. در جامعه ما پذیرفته شدن در کنکور برای بیشتر دانش‌آموزان مقطع متوسطه و خانواده‌های آن‌ها به‌صورت هدفی عمده و سرنوشت‌ساز درآمده است که سبب می‌شود هزینه‌های مالی و روانی زیادی را تحمل کنند

و چه بسا این فشارها سلامت روانی و حتی زندگی آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. همچنین، فرایند کنکور بیش از حد برای والدین و خانواده‌های دانش‌آموزان کنکوری ارزش‌گذاری شده است. به‌طور کلی به این دلیل که والدین خود را در موفقیت فرزندان سهم می‌دانند، کنکور نه تنها بر دانش‌آموزان، بلکه بر خانواده‌های آن‌ها نیز اثرگذار است و سبب می‌شود والدین هدف‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تعاملات، و تفریحات خود را متناسب با کنکور در نظر بگیرند. در انجام پژوهش‌های مربوط به تأثیر کنکور، محدودیت بنیادی عدم امکان محروم‌سازی گروه مقایسه از شرکت در آزمون وجود دارد. طبیعی است مقایسه دو گروه دانش‌آموزان داوطلب و غیرداوطلب تفاوت‌های آن‌ها را به‌شکل واقعی نشان خواهد داد؛ اما در شرایط کنونی گروه غیرداوطلب دانش‌آموزی نداریم. اگر چنین دانش‌آموزانی هم وجود داشته باشند، استثنا محسوب می‌شوند و دارای شرایط ایفای نقش پژوهشی گروه مقایسه نخواهند بود.

از موانع پژوهش حاضر می‌توان به مشکلات در زمینه جلب همکاری خانواده‌ها و مدارس (به‌خصوص مدارس غیردولتی) برای شرکت در مطالعه اشاره کرد. هر اقدامی برای اصلاح وضع موجود بدون همه‌جانبه‌نگری خطایی بزرگ خواهد بود. مشکلات کنکور را در دایره تحصیل و مدرسه و آموزشگاه‌ها و فرایند کنکور خلاصه کردن ساده‌اندیشی است. قبل از هر پیشنهادی باید علل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کنکور به یک آزمون سرنوشت‌ساز را بررسی و مشخص کرد. پاسخ به سؤال‌هایی از این قبیل که «چرا کنکور بین خانواده‌ها تا به این اندازه اهمیت و ارزش پیدا کرده است؟ چرا برای بیشتر خانواده‌ها مسیر سعادت و موفقیت فرزندان از دانشگاه می‌گذرد؟ چرا نظام آموزشی به دنبال تحمیل کلیشه‌های قدیمی موفقیت به جامعه است؟» می‌تواند برای ارائه پیشنهادی منطقی و کارساز مفید باشد. اگر بخواهیم به این سؤال‌ها پاسخ دهیم، درخواهیم یافت که کنکور عرصه‌ای برای ظهور برخی نابهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی دیگر است. طبیعی است اگر افراد امکان اشتغال بدون تحصیلات دانشگاهی را داشته باشند و نیز ملاک‌های واقعی شایستگی (و نه مدرک تحصیلی) جایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد را تعریف کند، بازار کنکور این چنین گرم نخواهد بود. از این رو، باید پذیرفت که مقابله با اثرات ناخوشایند کنکور سراسری نیازمند اصلاحات جدی در حوزه‌های دیگر غیر از آموزش نیز هست.

بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود برای پذیرش در دانشگاه‌ها به معیارهایی همچون معدل و سایر مؤلفه‌های پرونده تربیتی - تحصیلی دانش‌آموزان اهمیت بیشتری داده شود و به جای تأکید بر شعار کلیشه‌ای حذف کنکور از طرف نهادهای سیاسی و فرهنگی مختلف، بر ظرفیت‌سازی اشتغال واقعی و شایسته‌سالاری در کشور تمرکز شود. به نظر می‌رسد بخش زیادی از رقابت شدید در کنکور سراسری برای ورود به دانشگاه‌های برتر و برند کشور است. به همین دلیل بهبود کیفیت تمام دانشگاه‌ها و ارتقای ظرفیت‌های علمی و زیرساختی آن‌ها می‌تواند از رقابت برای ورود به چند دانشگاه محدود بکاهد و امکان بهره‌مندی تعداد بیشتری از داوطلبان از امکانات ارتقای علمی و تخصصی را فراهم کند. همچنین، نظارت عالی بر کیفیت دانشگاه‌ها و استقرار نهادهای تخصصی و غیردولتی تضمین کیفیت آموزش عالی در کنار ظرفیت‌سازی آموزش عالی سبب خواهد شد تا شاهد تنزل سطح علمی مؤسسات آموزش عالی نباشیم؛ به گونه‌ای که افراد غیرواجد شرایط به نظام آموزش عالی وارد نشوند. نظارت کیفی سبب خواهد شد تا داوطلبان بی‌کیفیت به جای مسیر تحصیلات عالی در راستای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های واقعی خود مسیری غیر از تحصیل در دانشگاه را برای موفقیت خود برگزینند. همچنین، پیشنهاد می‌شود گزینش غیرمتمرکز دانشجو و برگزاری ادواری آزمون‌های ورودی به دانشگاه‌ها نیز هم‌زمان با اصلاح فرایند فعلی کنکور مد نظر باشد. معادل دانستن شأن بالای اجتماعی با تحصیلات دانشگاهی تا حد زیادی ناشی از ارتباط ناکافی با دنیای در حال تحول است. اگر کشور بتواند به‌عنوان عضو مؤثر بین‌المللی و در تعامل واقعی با دنیا در زمینه‌های اقتصادی و آموزشی حرکت کند، زمینه اصلاحات واقعی اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌شود که به‌نوبه خود بر تمام امور آموزشی تأثیر خواهد گذاشت.

منابع

- اصل فتاحی، ب.، کریمی، ی.، سیف، ع. ا.، و پاشاشریفی، ح. (۱۳۸۸). مقایسه تأثیر روش‌های سنجش (عملکردی، تشریحی و عینی) بر عملکرد دانشجویان رشته مشاوره و راهنمایی در درس روش تحقیق دانشگاه آزاد اسلامی شبستر. علوم تربیتی، ۲(۶)، ۳۴-۷.
- امرابی، ع. (۱۳۹۱). کنکور، پلی به سوی سعادت، تأملاتی در نسبت کنکور و حیات اجتماعی ما. سوره اندیشه، ۶۶ و ۶۷، ۹۱-۹۲.
- بهرامی‌نسب، ب.، فرج‌اللهی، م.، و معینی‌کیا، م. (۱۳۹۰). نقش آزمون‌های مؤسسات آزاد علمی بر پیشرفت درسی دانش‌آموزان دوره متوسطه. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی (راهبردهای آموزش)، ۴(۴)، ۱۵۹-۱۶۴.

- پور کاظمی، م. ح. (۱۳۸۱). مطالعه تطبیقی پذیرش دانشجو در کشورهای چین و ژاپن و طرح جدید آزمون سراسری. مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، اصفهان: خانه ریاضیات اصفهان.
- تلگینی، م.، مانی طبایی زواره، ف.، انصاری پور، م.، حاتم‌زاده، ل.، و ارتفاعی، ا. (۱۳۸۱). مشکلات کنکور از دید دانش آموزان. مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۶۱-۲۹.
- حج فروش، ا. (۱۳۸۱). بررسی آسیب‌های آزمون سراسری بر برنامه‌های درسی دوره‌های متوسطه و پیش‌دانشگاهی و ارائه روش رفع آسیب‌ها. مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، خانه ریاضیات اصفهان.
- خدایی، ا. (۱۳۸۹). آزمون‌های خطیر در مقابل آزمون‌های غیرخطیر. نامه آموزش عالی، ۳(۱۲)، ۸۷.
- خلاق، ع. ا.، و حج فروش، ا. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر کنکور بر اهداف آموزشی در گذر از آموزش متوسطه به آموزش عالی. تعلیم و تربیت، ۱۱۲، ۹۸-۶۷.
- روان‌بخش، ف.، اسمعیلی، م. ر.، و آفرینش خاکی، ا. (۱۳۹۲). مقایسه گذران اوقات فراغت ممتازین کنکور و راه‌نیافتگان به دانشگاه با تأکید بر فعالیت جسمانی. مدیریت ورزشی، ۱۷، ۹۴-۷۵.
- سبحانی، ع.، و شهیدی، م. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲۱(۱۳)، ۱۸۱-۱۶۱.
- شکرانی، ی. (۱۳۹۳). بررسی نسبت آزمون‌های سراسری با اهداف درس تعلیم و تربیت دینی و قرآنی. علوم قرآن و حدیث، ۱۱(۴۵)، ۴۰-۳۸.
- فتح‌آبادی، ج. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر روش‌های متفاوت سنجش بر رویکردهای مطالعه و راهبردهای آماده شدن برای امتحان در دانشجویان با پیشرفت بالا و پایین. رساله دکتری. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- فتح‌آبادی، ج. (۱۳۹۳). بررسی اثر واث‌بک آزمون سراسری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بر رویکردهای آموزش و یادگیری در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی. طرح پژوهشی، سازمان سنجش آموزش کشور.
- قلخان‌باز، ف.، و خدایی، ا. (۱۳۹۳). تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی داوطلبان آزمون سراسری ۱۳۸۹ بر موفقیت تحصیلی آن‌ها. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۴(۵)، ۷۹-۵۵.
- کیانی، غ. ر. (۱۳۹۴). سوابق تحصیلی و آزمون‌های سراسری جایگزین نظام کنکور محور: چرایی، چیستی، و چگونگی تغییر. مطالعات زبان و ترجمه، ۴۸(۴)، ۲۶-۱.
- گرامی پور، م.، فلسفی‌نژاد، م. ر.، دلاور، ع.، و فرخی، ن. ع. (۱۳۹۱). مقایسه روش‌های تحلیل عاملی تأییدی ردگیری کنش افتراقی سؤالات آزمون‌های سرنوشت‌ساز. اندازه‌گیری تربیتی، ۹(۳)، ۱۲۲-۱۰۵.
- مردیها، م. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی آزمون ورودی دانشگاه. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۰(۱)، ۱۳۰-۹۱.
- نوربخش، س. م.، و حائری، س. م. (۱۳۹۰). مطالعه جامعه‌شناختی موفقیت در کنکور. نامه آموزش عالی، ۱۵، ۵۸-۳۳.

یارمحمدیان، ا.، سهرابی، ن.، و عریضی، ح. ر. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه تأثیر کنکور بر وضعیت روانی و شخصیتی راه‌یافتگان و راه‌نیافتگان به دانشگاه و خانواده‌های آنان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱(۲)، ۱۱۹-۱۳۶.

- Bennett, S., Bishop, A., Dalgarno, B., Waycott, j., & Kennedy, G. (2012). Implementing Web 2.0 technologies in higher education: A collective case study. *Computers & Education*, 59(2), 524-534.
- Biggs, J. (1993). What inventories of students' learning processes really measure? A theoretical view and clarification. *British Journal of Education Psychology*, 63(1), 3-19.
- Black, P. J., & Wiliam, D. (1998). Assessment and classroom learning. *Assessment in Education: Principles Policy and Practice*, 5(1), 7-73.
- Boud, D. (1995). Assessment and learning: Contradictory or complementary?. In P. Knight (Ed). *Assessment for Learning in Higher Education*. (PP. 35-48). London: Kogan.
- Broadfoot, P. (1996). *Education, Assessment, and Society*. Philadelphia: Open University Press.
- Cheng, L. (1997). How does washback influence teaching? Implications for Hong Kong. *Language and Education*, 11 (1), 38- 54.
- Crumpton, H. E., & Gregory, A. (2011). "I'm Not Learning": The role of academic relevancy for low-achieving students. *The Journal of Educational Research*, 104(1), 42-53.
- Goldhaber, D. (2018). A Gloomy Perspective on High-Stakes Testing. *Education Next*, 18(2), 79-80.
- Maccollum, S. (2005). The collage chase. *Literary Cavalcade*, 57(6), 20.
- Melissa. R., Brian. A., & Anthony, S. (2002). The Impact of High-Stakes Testing in Chicago on Student Achievement in Promotional Gate Grades. *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 24(4), 333-357.
- Pan, Y. C. (2009). A review of washback and its pedagogical implications. *VNU Journal of Science, Foreign Languages*, 25(4), 257-263.
- Sazegar, Z., & Motallebzadeh, K. (2017). Iranian national university entrance examination (konkoo) of B.A.: an analysis of its reliability and validity. *Modern Journal of Language Teaching Methods*, 7(3), 358-365.
- Scoullar, K., & Prosser, M. (1994). Students' experiences in studying for multiple-choice question examinations. *Studies in Higher Education*, 19(3), 267-279.
- Thomas, P., & Bain, J. (1984). Contextual dependence of learning approaches: The effects of assessment. *Human Learning*, 3, 227-240.
- Van Teijlingen, E., Marahatta, S. B., Simkhada, P., McIver, M., & Sharma, J. P. (2018). Developing an international higher education partnerships between high and low-income countries: two case studies. *Journal of Manmohan Memorial Institute of Health Sciences*, 3(1), 94-100.
- Watkins, D. (1982). Identifying the study process dimensions of Australian university students. *Australian Journal of Education*, 26(1), 76-85.